

بازی مسخره "انتخابات ریاست جمهوری"



دوشنبه ۱۹ تیر ۱۳۶۸ برابر با ۱۰ جولای ۱۹۸۹
 بهار ۶۰ ریحال سال ششم شماره ۲۶۵

سبب اصلی شتاب رژیم در برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، جلوگیری از پدید آمدن شرایطی است که شکاف‌های موجود در راس هرم حکومتی را آشکارتر به نمایش بگذارد. کاندیدای ریاست جمهوری شدن رقیبی نیرومند برای هاشمی رفسنجانی می‌تواند این شرایط را ایجاد کند. ائتلاف خامنه‌ای رفسنجانی می‌کوشد بدون اتلاف وقت با برپایی یک انتخابات نمایشی، امر جلوس هاشمی رفسنجانی را بر تخت ریاست جمهوری تثبیت کند.

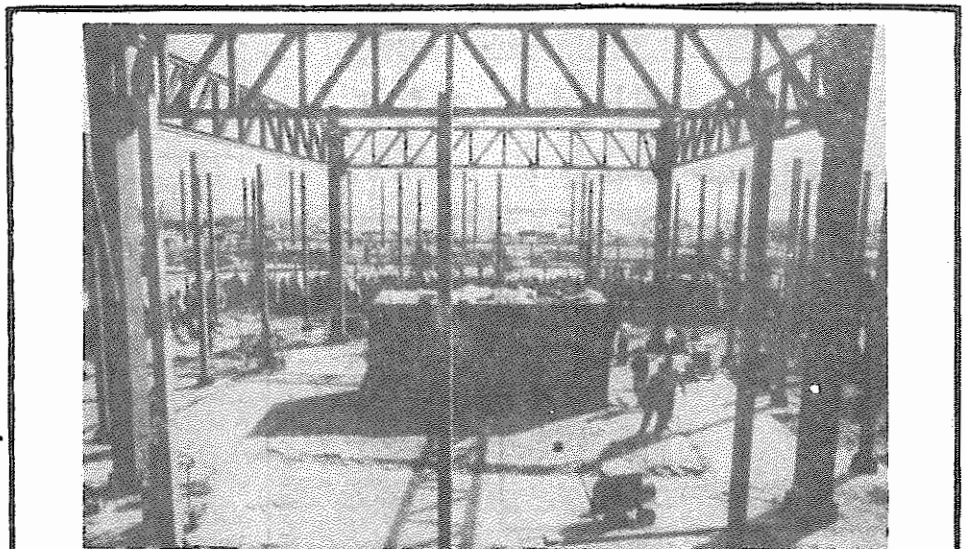
هاشمی رفسنجانی از سال گذشته، پس از آتش‌بس، برای احراز پست ریاست جمهوری خیز برداشت و در این راه از همکاری خامنه‌ای و حمایت خمینی برخوردار بود.

مرگ خمینی شرایط مناسب‌تری را برای احراز این پست توسط رفسنجانی پدید آورد. خامنه‌ای و رفسنجانی از همان روزهای نخست پس از مرگ خمینی، بر تلاش خویش در جهت اجرای این نقشه افزودند. خامنه‌ای در تعریف و تمجید از رئیس جمهور آینده، رئیس جمهوری که اختیارات نخست وزیر هم به او محول خواهد شد، سنگ تمام گذاشت و در عوض رفسنجانی هم از قول خمینی اورا یگانه فرد لایق برای رهبری معرفی کرد. رفسنجانی کاندیداتوری خود را برای ریاست جمهوری در قالب "پیشنهاد جامعه روحانیون مبارز" اعلام کرد. رسانه‌های جمهوری اسلامی در جهت تبلیغات برای حمایت از کاندیداتوری هاشمی رفسنجانی به کار گرفته شد. به نوشته روزنامه‌های حکومتی، "گروه کثیری از بازاریان و اصناف جانبازی خود را از رفسنجانی برای احراز مقام ریاست جمهوری بقیه در صفحه ۳

پیش از مرگ خمینی اعلام شده بود که انتخابات ریاست جمهوری در روز ۲۷ مرداد برگزار می‌شود. پس از مرگ خمینی همه کارها به تعویق افتاد، مگر برگزاری انتخابات ریاست جمهوری. چندی پیش، محتشمی، وزیر کشور، اعلام کرد که نام نویسی برای انتخابات ریاست جمهوری از روز ۲۸ تیرماه آغاز می‌شود. روز دهم تیرماه، روزنامه‌های رژیم از قول وزیر کشور اعلام کردند انتخابات ریاست جمهوری در روز ۶ مردادماه برگزار خواهد شد؛ بدین ترتیب تاریخ برگزاری انتخابات ۱۹ روز به جلو انداخته شد.

مردم و مرگ خمینی

در صفحه ۶



سراسر کشور بر اثر جنگ و سیاست‌های خانمان بر انداز جمهوری اسلامی ویرانه است. بی‌نویایی و گران‌ی و دربدری بیداد میکند. رکود و بحران بر اقتصاد کشور حاکم است. اکثر طرح‌های عمرانی متوقف شده است. اما ساختمان آرامگاه خمینی این باعث اصلی تمامی ویرانی‌ها، با سرعت و جدیت بارزی بالا می‌رود. عکس بالا که پایان مرحله تیرریزی ساختمان قبر خمینی را نشان میدهد، بیانگر ابعاد بزرگ این طرح است. در شرایطی که مردم تهران طاقت فرساترین فشارها را از نظر حمل و نقل شهری متحملند، اولین متروی نیز که ساخته شده و قرار است در چهل ممرگ خمینی افتتاح شود، خط‌شوش بهشت زهرا است. از نظر رژیم مردم تهران حق دارند در وهله نخست به قبرستان بهشت زهرا با راحتی و بدون مشکل سفر کنند.

انقلاب کبیر فرانسه

دویست ساله شد

در صفحه ۸

در این شماره

● به یاد رفیق جلیل شهبازی

در صفحه ۲

● رسید بهبودی درگذشت

در صفحه ۷

● جار و جنجال‌های تبلیغاتی
 پیرامون مناسک حج

در صفحه ۵

● درباره اوضاع لهستان

در صفحه ۱۲

اعزام دویست هزار معتاد به اردوگاه‌های کار اجباری

سخت در مرزهای جنوب شرقی کشور بویژه استان سیستان و بلوچستان و جزایری در جنوب اعزام خواهند شد و تا ترک اکتیاد کامل که بیش از شش ماه به طول خواهد انجامید در محل‌های تعیین شده باقی خواهند ماند...
 براساس طرح مزبور قرار است در ۲۴ منطقه بد آب و هوای کشور معتادینی که از اول مردادماه آینده اقدام به ترک اکتیاد نموده‌اند، در اردوگاه‌های کار اجباری اسکان داده شوند. به گفته مقامات حکومت اسلامی قرار است از این عده در ساختن پاسگاه‌ها و راه‌های مرزی در نواحی جنوب شرقی کشور استفاده شود.

بقیه در صفحه ۳

حکومت اسلامی قصد دارد از اوایل مردادماه براساس طرح مصوب مجمع تشخیص مصلحت که در بهمن ماه سال گذشته اعلام گردید، اقدام به جمع‌آوری معتادین بنماید. براساس این طرح یک مهلت، عرصه برای ترک اکتیاد معتادین در سراسر کشور اعلام شده بود. مختار کلانتری قائم‌مقام فرمانده کل کمیته انقلاب اسلامی و رئیس ستاد مبارزه با مواد مخدر در همین رابطه اعلام کرد: براساس این طرح ستاد مبارزه با مواد مخدر با همکاری کمیته‌های انقلاب اسلامی دویست هزار تن از معتادان را در سطح کشور شناسایی و برای آنان پرونده تشکیل داده است. از این تعداد، پنجاه هزار تن به اردوگاه‌های کار

به یاد رفیق جلیل شهبازی

جان شیدای جلیل در راه عشق به مردم

وقت هواخوری بود، زندانی‌ها در محوطه حیاط آرام قدم می‌زدند، هیچ کلامی بین آنها ردوبدل نمی‌شد، قمری رنگ پریده‌ای که روی سیم‌های خاردار بالای دیوار جا خوش کرده بود گمگاه آوازی سر می‌داد و سکوت را می‌شکست، اگر پرنده خبر را می‌دانست آن طور آسوده خاطر روی سیم‌های خاردار نمی‌نشست، زندانی‌ها گنج و منگ بودند، همین یک ساعت پیش بود که ناصر یان جلاد هربده‌کشان وارد بند شد و گفت: "جلیل شما هم که خودش را راحت کرد و کار ما را آسان، توی دستشویی با شیشه شکمش را پاره کرد، شما هم اگر مایلید برایتان طناب بیاورم تا خودتان را دار بزنید."

زندانی‌ها جلیل شهبازی را می‌شناختند، توی همین محوطه بارها با هم قدم زده بودند ولی حالا دیگر جای جلیل توی حیاط خالی بود.

جلیل عضو گروه روزبه بود که قبل از انقلاب با همت رفقای شهید محمد حسن دیانک شوری (منصور)، خلیل هوشیاری و چند رفیق دیگر تشکیل شده بود. این گروه که یکی از قوی‌ترین گروه‌های هوادار سازمان به‌شمار می‌رفت در میان زحمتکشان جوانیه و خاک سفید از وجهه و اعتبار والایی برخوردار بود، همین گروه بود که در جریان انقلاب بیشترین رشادت‌ها را در تسخیر پادگان‌ها، سازماندهی تظاهرات توده‌ای و سنگربندی‌های خیابانی از خود نشان داد.

زندانی‌ها هر کدام زندگی سیاسی و برخوردارهای جلیل را در زندان از نظر می‌گذراندند، جلیل سال ۵۸ در رابطه با جابجایی سلاح‌های سازمانی دستگیر و به ۶ سال زندان محکوم گردید، سال ۶۴ محکومیتش پایان گرفت اما آزادش نکردند، باز دیگر به دادگاه رفت و این بار به جرم تحریک زندانیان و فعالیت تشکیلاتی در داخل زندان به ۸ سال حبس محکوم شد، حاج داوود شکنجه‌گر معروف قزل حصار بارها به جلیل گفته بود که "تا من هستم نمی‌گذارم

روی آزادی را ببینی." پرنده همچنان بی حرکت روی سیم‌های خاردار نشسته بود، انگار می‌خواست آزادی خود را به رخ زندانی‌ها بکشد، اما آنها بی‌اهتمنا خود را به دست خاطرات جلیل سپرده بودند، سال سیاه ۶۷ بود و هیات سه نفره به دستور خمینی تشکیل شد تا گل‌های سرسید مردم را پرپر کنند، ۵ شهریور جلیل را بار دیگر به محکمه کشیدند، اعضای محکمه آخوند نیری (حاکم شرع)، اشرافی و دادستان کرج بودند که حکم اعدام‌های دسته جمعی گوهر دشت را امضا می‌کردند. جلیل در مقابل این سؤال نیری که پرسیده بود "مذهب شما چیست؟" گفته بود: "من کاری به مسایل مذهبی ندارم، من با شما اختلاف سیاسی دارم و نه جنگ مذهبی" تمام تلاش هیات سه نفره این بود که جلیل را به موضع‌گیری در مقابل مذهب بکشاند، اما او آگاهانه بر مواضع درست خویش پای فشرد، حکم اعدام نگرفت اما شکنجه روزانه و درازمدت برای وادار کردنش به توبه و خواندن نماز شروع شد، هر روز او را به تخت شلاق می‌بستند و وحشیانه با کابل شکنجه‌اش می‌کردند، روزهایی می‌شد که او را بیمه‌وش به سلول می‌آوردند، جلادان چنان هر صه را بر جلیل تنگ کردند که او با همه هشتی که به زندگی داشت، جان شیدایش را کشت.

وقت هواخوری پایان گرفته بود، زندانی‌ها آرام با یاد جلیل به سلول‌هایشان می‌رفتند، آخرین زندانی لحظه‌ای در آستانه بند ایستاد و به بالای دیوار حیاط روی سیم‌های خاردار چشم دوخت، پرنده روی سیم‌های خاردار نبود، بر بستر آسمان در پرواز بود، زندانی با خود زیر لب زمزمه کرد:

شب که می‌آید و می‌گوید پشت در را
من به خود می‌گویم:
ما همین فردا کاری خواهیم کرد
کاری کارستان

"به نقل از کار شماره ۶۵"

برای سیاوش (سیا) اکبرزاده شکوهی فدائی خلق (اکثریت)

به پهلویت چرا خنجر نهادند
چرا بر سینه‌ات سر نهادند
"سیا" جان عشق می‌گفتی به مردم
به چشمانت چرا قم را نهادند

به خیل کاروانت دیدم ای دوست
به سیل رهروانت دیدم ای دوست
سیاوش بودی و سوگت نشستم
"رفیقان" سوگوارت دیدم ای دوست

دیماه ۶۷

تهران - حیدر

سروده‌ای برای بهمن باقرزاده فدائی خلق (اکثریت)

بهمن ترانه‌ای شیرین بود
که جام زهر را به حلقه‌اشان فشرد
این یادگار آرائی
کز چشمه‌های روشن جنبش
سیراب گشته بود
وقتی که جوخه آتش او را نشان رفت
در واپسین دم حیات
فریاد زد
من یک فدائیم

آذرماه ۶۷

حیدر - تهران

برای انوش

در صبح سپیده رقصان آمد
در چشم فرشته پنهان آمد
چون سبزه که در بهار خندان باشد
حلاج صفت در صف یاران آمد.

(حیدر)

بازی مسخره " انتخابات ریاست جمهوری "

بقیه از صفحه اول

اهلام کردند. "شورای اسلامی بازاریان" از پیشنهاد "جامعه روحانیون مبارز" برای کاندیداتوری رفسنجانی حمایت کرد. و... اکنون در روزنامه‌های جمهوری اسلامی، تبلیغات مسخره‌ای برای انتخابات ریاست جمهوری به راه افتاده است. روزنامه‌های رژیم با تیترهای درشت در صفحات اول خود "آخرین خبرهای انتخابات ریاست جمهوری" را پی‌گیری می‌کنند. این روزنامه‌ها از قول محتشمی، وزیر کشور، نوشته‌اند که به سبب وجود "نضای سیاسی بسیار آزاد و باز"، می‌توانند "همه اقشار با اعتماد به نظام جمهوری اسلامی و سیستم انتخابات و مجریان انتخابات" برای ثبت نام مراجعه کنند. رژیم برای اثبات حقانیت ادعای خود مبنی بر وجود "نضای سیاسی بسیار آزاد و باز" در

انتخابات ریاست جمهوری، رقبای بی‌خطری هم برای هاشمی رفسنجانی ساخته و پرداخته است. این تبلیغات به حدی ساده لوحانه پیش برده می‌شود که بیشتر به یک نمایش خنده‌آور شبیه است. نگاهی به لیست رقبای هاشمی رفسنجانی در احراز پست ریاست جمهوری، که در روزنامه‌ها درج شده است می‌اندازیم:

"کارگری از کفش ملی" که هدفش "خدمت به محرومان" است؛ دیپلمه‌ای که "اصلا سابقه سیاسی" ندارد؛ پیرمرد ۶۰ ساله‌ای که پیش از این کاندیدای مجلس بوده اما "رای نیاورده" است؛ جوان ۲۸ ساله‌ای که "سابقه سیاسی، مبارزاتی، ندارد" اما "سابقه فرهنگی" دارد؛ مهندس برق تحصیلکرده آمریکایی که سابقه فعالیتش مسلمان کردن مسیحیان در آمریکا است؛ طلبه جوانی که مدعی است: "اگر اجازه بدهند حرفم را بزنم، رایم

صد درصد است"؛ جوشکار ۶۴ ساله‌ای که انگیزه داوطلبی‌اش برای پست ریاست جمهوری، "ارزان کردن اجناس" است؛ و... هوام فریبی‌های رژیم در شرایطی صورت می‌گیرد که خفقان شدیدی بر جامعه حاکم است، اما بخش اعظم مردم ایران اکنون دیگر رژیم جمهوری اسلامی را به درستی می‌شناسند. برای مردم ماکه خودکامگی و تبهکاری این رژیم راده سال است تجربه می‌کنند، حنای این خیمه شب‌بازی‌ها، دیگر رنگی ندارد. این نکته به خوبی آشکار است که در خفقان خونین این رژیم، "انتخابات آزاد" و "نضای سیاسی بسیار آزاد و باز" ادعاهای مسخره‌ای بیش نیستند. این نضای باز سیاسی که رژیم مدعی آنست، همان فضایی است که در آن حتی شخصی همچون آیت‌الله منتظری، پاره‌ای از تن رژیم نیز با آن

وضعیت افشاگر، تا بدان حد مضروب شده و به گوشه انزوا فرستاده می‌شود. در فضای سیاسی پس از کشتارهای جمعی در زندانها، در فضایی که هیچ حزب و سازمان سیاسی حتی سازمانهای سیاسی مذهبی‌ای که تفاوتی جزئی با رژیم حاکم دارند، اجازه فعالیت و اظهار نظر ندارند، نتیجه "انتخابات ریاست جمهوری" از پیش روشن است: جلوس هاشمی رفسنجانی بر تخت ریاست جمهوری.

اعزام دویست هزار معتاد...

بقیه از صفحه اول

ضمان روز سه‌شنبه اعلام شد که ۱۸ نفر دیگر به اتهام خرید و فروش مواد مخدر اعدام شده‌اند. از تعداد فوق ۱۵ نفر در شهر شیراز، ۱ نفر در داراب و ۲ نفر در شهرستان اراک به‌دار آویخته شده‌اند.

حکام جمهوری اسلامی که در طی ده سال حاکمیت خود به ویرانگری و نابودی کشور کمر همت گذاشته و در این مدت خود را گسترش‌دهندگان اصلی زمینه‌های اجتماعی و روانی ابتلا به این بیماری اجتماعی محسوب می‌شوند، به جای یافتن راه‌حل‌های واقعی برای هلاک این بیماری به سوءاستفاده از تهمانده‌های رمق این قربانیان نظام خود پرداخته‌اند. مختار کلاتری که در راس ستاد مبارزه با مواد مخدر رژیم قرار دارد به خوبی آگاه است که چگونه سران حکومتی که وی یکی از خادمین آن است، با حمایت بی‌دریغ از فعالیت‌های جنایتکارانه باندهای مجاهد افغانی علیه دولت افغانستان کشور را به عرصه تاخت و تاز قاچاقچیان بین‌المللی مواد مخدر تحت عنوان "مجاهدین افغانی" و "مبارزان راه اسلام" تبدیل کرده‌اند. وی در مطلب افشاگرانه‌ای اقداماتی را که همین گروه‌های مجاهد افغانی انجام می‌دهند برمی‌شمرد، اما این اقدامات را از تبهکاری‌های شوم استکبار جهانی و جنایات سازمان‌های جاسوسی می‌شمرد.

پنج دقیقه بدون متعنه



وضع بهداشت در بسیاری از مدارس دخترانه بسیار نااهنجار است. بنابه گزارش‌های رسیده مدرسه دخترانه هاشمی‌نژاد زورآباد کرج مدتی پیش به هلت وجود موش و انواع دیگر حشرات موذی به مدت یک روز تعطیل و سمپاشی می‌شود. مدتی بعد مسئولین همین مدرسه متوجه می‌شوند که موهایی سر اقلب دانش‌آموزان شپش زده است که بدنال آن کلاسهای درس تعطیل شده و موهایی سر دانش‌آموزان را ضدعفونی می‌کنند. اما اوضاع آنچنان وخیم بود که مسئولین مدرسه مجبور می‌شوند موهایی سرحدود شصت نفر از دانش‌آموزان را تیغ زده و موهایی سر بقیه دانش‌آموزان را کوتاه بکنند. در همین رابطه و یا بخاطر دیده‌شدن مواردی از بیماری تیغوس از جمله در مدرسه مصطفی‌ضمینی در شهر کرج مسئولین آموزش و پرورش به مدارس دخترانه بخشنامه کرده‌اند که هر روزه مدت پنج دقیقه در شرایطی مناسب متعنه دختران با نظارت مربیان برداشته شود تا موهایی سر آنان هوا آفتاب بخورد.

سفر ولایتی به ژنو

است.

ولایتی در ادامه سفر خود در روز جمعه بطور ناگهانی وارد دمشق شد و با فاروق الشرع وزیر خارجه سوریه ملاقات و گفتگو کرد، گفته میشود این مذاکرات پیرامون درگیریهای گروههای حزب الهی وابسته به حکومت اسلامی و سازمان امل که از جانب سوریه حمایت می شود می باشد. ظاهراً طرفین قصد دارند راه حلی برای پایان بخشیدن به این درگیریها بیابند.

ثبت نام

کاندیداهای ریاست جمهوری

به پایان رسید

مجلس اعلام شده برای ثبت نام انتخابات ریاست جمهوری حکومت اسلامی در روز یکشنبه هفته گذشته به پایان رسید. در پایان این مجلس از سوی وزارت کشور اعلام شد که ۱۷۰ نفر برای احراز مقام ریاست جمهوری ثبت نام کرده اند که از این تعداد تنها ۸۰ نفر مدارک کامل به ستاد مرکزی انتخابات تحویل داده اند و در این مرحله مقدماتی حائز شرایط محسوب می شوند. مدارک این افراد برای بررسی و تعیین صلاحیت کاندیداتوری به شورای نگهبان سپرده شده است. شورای نگهبان موظف است در ظرف ۵ تا ۱۰ روز صلاحیت این کاندیداها را بررسی و واجدین شرایط احراز پست رئیس جمهوری را اعلام نماید، گفته شده است که در این مرحله اسامی افرادی که فاقد شرایط اخلاقی، سیاسی مذهبی، لازم برای احراز مقام ریاست جمهوری هستند از لیست انتخابات توسط شورای نگهبان حذف می گردد.

گفته میشود در میان ثبت نام کنندگان پست ریاست جمهوری دو زن نیز وجود داشته است که ستاد مرکزی انتخابات از پذیرش مدارک آنان براساس قانون اساسی حکومت اسلامی خودداری کرده است. همچنین اعلام شد که رفسنجانی و عباس شیبانی نماینده مجلس از تهران جز ثبت نام کنندگان انتخابات ریاست جمهوری می باشند. سن جوانترین کاندیداها ۲۲ سال و مسن ترین آنها ۷۷ سال می باشد.

بر اساس گفته وزیر کشور تبلیغ برای انتخابات ریاست جمهوری بلافاصله بعد از اعلام اسامی واجدین شرایط پست ریاست جمهوری از سوی شورای نگهبان آغاز خواهد شد. بر اساس اطلاع وزارت کشور طبق قانون انتخابات ریاست جمهوری به منظور تضمین بر خور داری یکسان کاندیداها از امکانات دولتی، کمیسیون بررسی تبلیغات انتخابات در وزارت کشور به دعوت وزیر کشور تشکیل خواهد شد. این کمیسیون با شرکت دادستان کل کشور، وزیر کشور، مدیرعامل صداوسیما جمهوری اسلامی و یک نفر از اعضای شورای نگهبان و یا نمایندگان تام الاختیار آنان تشکیل می شود.

است.

وی همچنین در ژنو مجامع بین المللی را برای عدم فشار و یا موضعگیری های مصلحت آمیز در رابطه با کاربرد سلاحهای شیمیایی توسط عراق مورد انتقاد قرار داد.

در همین رابطه در روز پنجشنبه خاورپرز دو کوئینار با طارق عزیز دیدار و گفتگو کرد. در این دیدار طارق عزیز ایران را متهم به کار شکنی در پیشرفت مذاکرات کرد. گفته میشود در این دیدار وزیر خارجه عراق همچنان بر مواضع اعلام شده عراق در دور قبلی مذاکرات در نیویورک و ژنو تاکید نموده و خواستار آزادی مفتاد هزار اسیر عراقی که در اسارت ایران می باشند شد.

لازم به تذکر است که چندی پیش اعلام شده بود که دور جدید مذاکرات صلح ایران و عراق در اوایل تیرماه آغاز می شود. ولی لژنجان که از شواهد برمی آید این گفتگوها نه به مثابه آغاز دور جدید مذاکرات، بلکه بیشتر در چارچوب گفتگوهای غیررسمی مقامات دو حکومت با دبیرکل سازمان ملل صورت گرفته است. آنچه که از مواضع رسمی دو حکومت برمی آید عدم تمایل برای یافتن راه حلی برای شکست بن بست مذاکرات موجود می باشد. این موضع هم در خلال سخنان ولایتی و هم طارق عزیز در عدم تمایل به ادامه مذاکرات به خوبی روشن است. ضمناً گفته میشود ولایتی بعد از شرکت در کنفرانس خلع سلاح در ژنو به یوگسلاوی مسافرت کرده است. در این دیدار پیرامون مواضع جنبش فیر متعمدها در رابطه با مذاکرات صلح ایران و عراق با رئیس سازمان مزبور بحث و گفتگو شده

ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی برای شرکت و گفتگو در کنفرانس خلع سلاح به ژنو سفر کرد. در جریان این سفر وی با خاورپرز دو کوئینار دبیرکل سازمان ملل دیدار و گفتگو کرد. در این دیدار پیرامون مذاکرات صلح ایران و عراق و اجراء قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد بحث و گفتگو شده است.

آقای دو کوئینار در جریان مذاکرات ۳/۵ ساعته مذکور، نگرانی خود را از عدم پیشرفت مذاکرات صلح و تحقق قطعنامه صلح اعلام داشت و برای پیشرفت در مذاکرات صلح راه حل ۴ ماده ای خود را که بر اساس قطعنامه مذکور تدوین شده معتبر دانست.

ولایتی در ملاقات مذکور اعلام داشت: روال فعلی مذاکرات کمکی به اجرای قطعنامه نکرده است و زمان آن رسیده است که روند گفتگوها مجدداً ارزیابی و روشهای دیگری بکار گرفته شود. وی خواهان آن شد که سازمان ملل برای خروج نیروهای عراقی از حدود ۳ هزار کیلومتر مربع اراضی اشغال شده ایران رژیم عراق را زیر فشار قرار دهد. وی ادامه اشغال اراضی ایران توسط نیروهای ارتش عراق را به عنوان عاملی که می تواند بحران مرزی دو کشور را شدت بخشد قلمداد کرده و افزود: شورای امنیت وظیفه دارد برای رفع این بن بست هر چه زودتر اقدام کند.

در مورد اسیران جنگی که اکنون توسط دورژیم در گروگان قرار گرفته اند و جان آنان مورد معامله قرار گرفته است، ولایتی افزود: در حالیکه ایران اسامی ۵۰ هزار نفر اسیر عراقی را به صلیب سرخ جهانی تحویل داده، عراق تنها اسامی ۱۸ هزار نفر اسیر ایرانی را اعلام نموده

اعلام شرایط جدید ارزی و مسافرتی برای دانشجویان خارج از کشور

مدیرکل اداره امور دانشجویان خارج اعلام کرد از این پس دانشجویان با ارائه مهری نامه صادره از سوی اداره کل امور دانشجویان خارج، علاوه بر تمیه ریالی بلیط و بر خور داری از معافیت عوارض فرودگاهی، از ۴۰ درصد تخفیف ویژه نیز استفاده می کنند. وی در مورد معافیت تحصیلی توسط سلطان هده از دانشجویان که قبل از انجام نظام وظیفه از کشور خارج شده اند گفت: این دانشجویان چنانچه بر طبق شرایط و ضوابط ابلاغ شده از سوی این اداره کل مشغول به تحصیل باشند، می توانند مدارک لازم را با پست برای ما ارسال دارند و بر طبق قانون نظام وظیفه از معافیت تحصیلی بر خور دار شوند. این معافیت برای افراد تازمانی که طبق ضوابط به تحصیل مشغول باشند معتبر بوده و آنان می توانند به ایران رفت و آمد داشته باشند.

مدیرکل اداره امور دانشجویان در مورد تغییر در بخشنامه ارزی کشورهای آلمانی زبان اعلام کرد: در این بخشنامه طول مدت تحصیل

در مقطع لیسانس ۴ سال و فوق لیسانس پیوسته ۶ سال مقرر شده بود که با بررسی های انجام شده تصمیم گرفته شد این مدت برای مقطع لیسانس به ۵ سال و برای مقطع فوق لیسانس پیوسته به ۷ سال افزایش یابد.

همچنین شرط معدل برای کسانی که مدرک فوق لیسانس می گرفتند و در نظر داشتند مقطع دکتری را شروع کنند ۱/۵ از ۱ بود که در حال حاضر به ۱/۳ کاهش پیدا کرده است.

وی در ارتباط با بند ۱۵ بخشنامه مذکور مربوط به حد نصاب دروسی که باید دانشجوی در هر ترم تحصیلی بگذراند گفت: بر طبق اصلاحاتی که در این بند صورت گرفته است و از ابتدای سال ۶۹ به مرحله اجراء درمی آید در مقطع لیسانس ارائه حداقل یک دهم درس رشته تحصیلی در هر ترم، برای مقطع فوق لیسانس پیوسته ارائه حداقل یک چهارم و در مقطع فوق لیسانس فیر پیوسته حداقل ارائه یک پنجم درس رشته تحصیلی برای دریافت ارزش کامل مورد نیاز است.

جار و جنجال‌های تبلیغاتی

پیرامون مناسک حج

از صفحه آخر

هرستان سعودی برپا شد حدود ۴۰۰ نفر جان خود را از دست دادند. این تظاهرات به تحریک و با دخالت مستقیم سران حکومت اسلامی سازمان داده شده بود. بعد از درگیری خونین دو سال پیش مناسبات ایران و هرستان سعودی به شدت رو به تیرگی گذاشت و ایران از اعزام زائرین مناسک حج در سال بعد خودداری کرد. همچنین بعد از این واقعه براساس طرح و خواست دولت هرستان مبنی بر کاهش تعداد زائرین و تعیین سهمیه برای کشورهای مختلف در اجلاس سران حکومت اسلامی مقرر گردید که از این پس در ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت کشورهای اسلامی یک نفر به عنوان زائر به مناسک حج اعزام گردد، که در این میان سهم ایران برای اعزام زائرین ۴۵ هزار نفر اعلام شد. از آن زمان تاکنون این سهمیه مورد توافق حکومت اسلامی قرار نگرفته و حکومت ظاهرا به همین دلیل از اعزام زائرین خود به مناسک حج خودداری کرده است. ایران خواستار سهمیه‌ای برابر ۱۵۰ هزار نفر برای اعزام به مراسم حج شده است و این در حالی است که مقامات حکومت اسلامی اعلام کرده‌اند که بیش از ۱/۵ میلیون نفر برای اعزام به مناسک حج ثبت نام نموده‌اند. ضمناً باید گفته شود که براساس شرایطی که حکومت ایجاد کرده است، افرادی که قصد دارند به مناسک حج بروند باید از پیش مبالغی را به حساب سازمان حج و اوقاف بپردازند و در لیست قرعه‌کشی باقی بمانند. به این ترتیب مبلغ پرداخت شده توسط مردم به حکومت به عنوان ودیعه برای رفتن به مناسک حج نزدیک به یکصد میلیارد ریال است که بر این اساس جار و جنجال‌های فوق و هدم اعزام زائرین توسط حکومت به مناسک حج می‌تواند یک سوءاستفاده عظیم مالی توسط دولت از پول‌های به‌ودیعه سپرده شده مردم نیز محسوب شود.

در جریان انجام مناسک حج بار دیگر سران حکومتی به‌یاد صلاحیت کلیددار کعبه افتادند. به همین خاطر هفته گذشته بار دیگر موج تبلیغاتی جدیدی از سوی سران حکومت اسلامی علیه سران حکومت هرستان سعودی به راه افتاد. از "رهبر جدید" گرفته تا "یادگار امام سابق"، از رئیس توه تضائیه تا رئیس سازمان حج و اوقاف رژیم همه و همه بر بوق و کرناهای تبلیغاتی دمیدند و امت حزب الله و جهان اسلام را به قیام علیه سران حکومت هرستان فراخواندند. خامنه‌ای جلوگیری از ورود زائرین ایرانی به هرستان را توطئه نامید و ضمن تالیق دانستن سران حکومت هرستان در پیامی خطاب به حجاج و مسلمانان جهان گفت: حکام آل سعود در سه سال گذشته با اشاره آمریکا و اسرائیل از شرکت حجاج ایرانی جلوگیری به عمل آورده‌اند. "یادگار امام" نیز که می‌خواهد سری در میان دولتمردان حکومت اسلامی باشد اعلام کرد که سران آل سعود مدافع اسلام آمریکایی هستند. وی بر روی مرزبندی بر روی اسلام آمریکایی و اسلام ناب محمدی سخن گفت و افزود: سران هرستان سعودی می‌خواهند حج باشد ولی روح آن که دفاع از فرمان‌های پیامبر است نباشد. اردبیلی نیز در نماز جمعه تهران سران هرستان را طاقوت مکه و نمودیان زمان خواند و از زائرین مناسک حج دعوت نمود که به برپایی تظاهرات علیه حکومت هرستان سعودی بپردازند. در همین رابطه جبارانی سرپرست سازمان حج و اوقاف حکومت اسلامی اعلام داشت که در تهران و شهرستان‌ها در روز دوشنبه که روز برائت از مشرکین اعلام شده است تظاهرات گسترده‌ای علیه رژیم هرستان سعودی برپا می‌شود. لازم به یادآوری است در تظاهراتی که دو سال پیش در

مصوبات "شورای بازنگری قانون اساسی"

در مورد رهبر و وظایف رهبری

نیروهای مسلح،
۵- اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها
۶- حل اختلاف و تنظیم روابط بین‌توای سه‌گانه
۷- امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخابات مردم
۸- صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری در جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید باید قبل از انتخابات به تایید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد.
۹- عزل رئیس جمهوری با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخطی وی از وظایف قانونی یا رای مجلس شورای اسلامی به هدم کفایت وی براساس اصل ۸۹
۱۰- عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی بعد از پیشنهاد رئیس توه قضائیه
۱۱- حل معضلات نظام که از طرق هادی قابل حل نیست؛ از طریق مجمع تشخیص مصلحت رهبر می‌تواند بعضی از وظایف خود را به شخص دیگری تفویض کند.

سی و چهارمین جلسه عمومی شورای بازنگری قانون اساسی در روز دوشنبه هفتم گذشته برگزار شد. در این جلسه کار روی گزارش کمیسیون اول در مورد رهبری و وظایف آن تمرکز یافت و اصول ۱۱۰ و ۸۹ در مورد وظایف و اختیارات رهبری به تصویب رسید. در مصوبات جدید "شورا" در مورد اصل ۱۱۰، وظایف رهبری به شرح ذیل اعلام شده است:

- ۱- تعیین سیاستهای کلی نظام جمهوری اسلامی پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت.
- ۲- نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام
- ۳- فرمان همه‌پرسی
- ۴- عزل و نصب و قبول استعفا مقامات به شرحی که گفته میشود؛ الف - فقهای شورای نگهبان، ب - عالیترین مقام توه قضائیه، ج - رئیس سازمان صدا و سیما، د - رئیس ستاد مشترک، ف - فرمانده کل سپاه پاسداران، ل - فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی، م - فرماندهی کل

کمک‌های مالی رسیده

۲۸ فرانک	از کان - فرانسه
۴۰ فرانک	تقدیم به خانواده زندانیان سیاسی
۵۰ فرانک	Tchektchekian
۵۰ گیلدن	علیرضا از ایران
۲۵ گیلدن	علیرضا از ایران
۱۰۰ دلار	مسافری از کرمانشاه کمک به خانواده زندانیان سیاسی
۵۰ مارک	از نوربرگ آلمان فدرال برای کمک به واحدهای فدایی داخل کشور

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

مردم و مرگ خمینی

سرانجام خمینی مرد و هم میهنان ما هر یک بسته به تعلقات اجتماعی خود ارزیابی و تفاوت ویژه‌ای از مرگ خمینی ارائه کردند. در زیر مطلبی را می‌خوانید که با الهام از سخنان مردم کوچه و بازار و براساس گفته‌ها و شنیده‌ها درباره مرگ خمینی تنظیم شده است. واقعیات در پناه جملات ساده و طنزآمیز مردم عادی گویای حقایق بسیار است.

کم کم فضای سنگین روزهای اول پس از مرگ خمینی در شهر تهران سبک تر می‌شود و مردم پس از یک هفته که کارها دوباره شروع شده و زندگی روال طبیعی گرفته است، آزادتر حرف می‌زنند و اظهار نظر می‌کنند. کارمندی می‌گفت: "حالا معلوم نیست چه خبره وقتی اداره باز شد و رفتیم سرکار معلوم میشه کدام باند آمده روی کار و کله کی رو کردند زیر آب، چون در این طور مواقع بلافاصله آدم‌های خودشون رو میارن و مسئولین قبلی را به عنوان لایبرال، طرفداران اسلام آمریکایی و... بیرون می‌ریزند"

دوستی می‌گفت: "دو سه روز بعد از مرگ خمینی سوار تاکسی شدم، یک ریشو بغل دست راننده نشسته بود. رادیو اشعار مذهبی می‌خواند، همه ساکت بودند و هوا هم ابری و گرفته و دم کرده بود. مردک حزب الهی لباس سیاه پوشیده بود کمی به مسافران نگاه کرد و گفت:

"تربونت برم امام! هوا هم برات هزاداره، زمین و زمان هم هزاداره... خدایا چی می‌شد به جای امام عزیزمان ریگان می‌مرد، اون پیرسگ امپریالیست می‌مرد، چی می‌شد مارگارت تاچر هر جایی که یک خروار عطر و ادکلن به خودش می‌زنه و سر برهنه راه می‌ره می‌مرد. خدایا چرا امام؟ چرا امام عزیز ما؟ قربون عدالت برم اینجمله ظالم تو دنیا هست، چرا امید مستضعفان را گرفتی؟"

بقیه سر نشینان تاکسی که به جز من یک جوان حدود ۳۰ ساله و یک مرد میان سال بودند بدون توجه به حرف‌های یارو به خیابان نگاه می‌کردند. حزب الهی هر چه تلاش کرد هیچ کس حاضر نشد وارد صحبت بشود و خلاصه طرف به مقصد رسید و در هنگام پیاده شدن گفت: "برادرها خواهش می‌کنم برای امام فاتحه بخوانید در مراسم هزاداری شرکت کنید" تاکسی حرکت کرد و راننده یک نفس همیق با معنی کشید. همه همدیگر را نگاه کردیم و یکدفعه راننده تاکسی گفت: "چه خوب بود این آسمون هزادار" یک بارونی می‌زد و هوا کمی خنک می‌شد، مردم از گرما! "مسافرها تبسمی کردند و بعد کمی سکوت شد. من گفتم معمولاً آیت الله‌ها صد سال عمر می‌کنند، ما هنوز منتظر این خبر نبودیم، جوانکی که عقب ماشین نشسته بود گفت ای والله داداش، یعنی طفلکی آقا جوانمرگ شد. یعنی ما دوازده سال بدعکار شدیم. دست خوش بابا تو چقدر بانصافی، همگی خندیدیم. مرد میان سالی که تا این لحظه سکوت کرده بود بدون خنده و با تیغ‌های محزون گفت:

"بابا نخندید، گریه کنید به حال ملت ما باید گریه کرد. حالا بعد از خمینی اینها مثل سگ و گریه به جون هم می‌افتند و باز ما ملت بخت برگشته باید تاوان پس بدهیم."

بحث آنها ادامه داشت که من پیاده شدم. در همین روزها سری به محله قدیمی مان راه آهن زدم. خیابان سلیمان خانی، بچه‌های محله هر کس حرف و نقلی داشت، جلوی در قهوه‌خانه محله مثل همیشه چند نفر اداری باز نشسته روی چهارپایه نشسته بودند و مشغول گپ زدن بودند و چای می‌خوردند. قیلا هر موقع اینها را می‌دیدم بحث و صحبت هایشان درباره حقوق بازنشستگی و رد و بدل کردن خبرهای محله و یا اخبار و اطلاعات مربوط به صفحه نیازمندی‌های

کیهان و اطلاعات بود. ولی آن روز همه حرف‌ها در اطراف مرگ خمینی دور می‌زد. یک معلم بازنشسته که در محله به محافظه کاری معروف است، می‌گفت:

"خدا بیامرزش خودش خوب بود اطرافیانش پدرش رو در آوردند. اکبر کوسه از همه مارمولک تره، دیدید چطور ی پوست خربزه را اول کرد زیر پای منتظری بیچاره و اون رو در یک چشم برهم زدن کرد آیت الله "اول معطلی" و کار و بار خودش رو ردیف کرد؟ خامنه‌ای هم که استاد جوشکاریه، به همین دلیل کردنش رهبر تا بعد از آقا که جمهوری اسلامی به جوشکاری احتیاج داره همه رو به هم جوش بده. آیت الله انشالله مم (منظورش موسوی اردبیلی بود) که انشالله خدا از روی زمین برش داره، نه بوداره و نه خاصیت. بچه‌های مدرسه قیلا اسمش را گذاشته بودند سازمان ملل چون هیچ کس رو نمی‌رنجونه طفلکی نقطه نظر تو بره خودشه"

یک کارمند بازنشسته دخانیات که در محله به ناراضی بودن از حکومت معروف است گفت:

"ای بابا همه آتیش‌ها از گور خود پیرمرد بلند شد. اطرافیانش کارهای نبودند، نون رو به نرخ روز می‌خوردند، از سفره‌ای که او باز کرده بود لقمه می‌گرفتند. من از روز اول گفتم این سید انگلیسیه، شماها خندیدید، والله بلایی که این مرد به سر ملت آورد انگلیس سگ کی بود بیاره، یک حرب و هجم، شیعه و سنی، کرد و فارسی راه انداخت که به این زودی‌ها اثر و آثارش پاک نمی‌شد. امان از دست طایفه آخوند، خدا ریشه اینهارو از زمین بکنه، جیب هر کدومشون یک توبره است."

یک کارمند بازنشسته راه آهن که حالا به دلیل کمی حقوق بازنشستگی‌اش تو کار خرید و فروش است شروع به صحبت کرد و گفت:

"باید دید بازاری‌ها پس از مرگ آقا چی می‌کنن، این محمه! مرجع

تقلیدکی می‌شه این محمه! خمس و زکات را به کی میدن این محمه! روی بازار معاملات چه تاثیری داره، این محمه!"

کارمند دخانیات خندید و گفت: "خدا پدر تو بیامرزه همو، تو چقدر ساده‌ای که تا حالا نفهمیدی مرجع تقلید بازاری جهامت دلاره، این لعنتی‌ها دین و آئینشون پوله، مرجع پر جمع نمی‌شناسند، مسلمون نمایی اینها دکونه."

در همین حین پیش‌نماز مسجد محل که اضم کرده بود مثل پدر مرده‌ها ناراحت بود از آن جلو رد می‌شد، همه اونها بلند شدن و سلام کردن و گفتند، آقا جدا تسلیت می‌گوییم، ما بی‌پناه شدیم، ملت ما بی‌پدر شد، امام مارفت، افتخار ما رفت. آخوند محله هم مثل صاحبان هزاداری در قیغ انداخت و سری جنابند و گفت بیاید عصری مسجد مراسم هست. بیاید برو بچه‌ها رو جمع کنید و بیاورید. این روزهای هزیز را از دست ندهید، آخونده رفت و مردم ناظر قضایا زدند زیر خنده. معلم گفت نخندید بابا تقیه لازمه، این محمه، کارمند دارائی گفت ما یک هزارم این پدر سوخته‌ها دروغ نگفته‌ایم اینها ده ساله همه مارونگ کردند. آن طرف تر چندتا از

بروبچه‌های بیکاره محل جمع شده بودند، هر کدامشان به رسم محله‌های پایین شهر و قدیمی تهران برای خودشان لقبی دارند، عباس آقا تاکسی، آثار ضاسگی، احمد تانکی و حسین خیکی، آنها برای خودشان هالمی دارند. در میان حرف هایشان گاه واقعیات را با فحشو و بدویبراه و طنزهای زننده و بقول معروف چاله میدونی به زبان می‌آورند. احمد تانکی که تا حالا حداقل ۳۰ بار تو امتحان رانندگی برای تصدیق یک رد شده و بالاخره آرزوی شوغری تانکر توی دلش مانده گفت:

"تو بگیری اگر تصدیق رو گرفته بودم با تانکر نرفت می‌رفتم چهارانو آتیش می‌زدم. هنوز چیگرم برای راننده‌های تصدیق یک، این سرمایه‌های مملکت که این پدر سوخته‌های فلان فلان شده تو جنگ از بین بردن کبابه، بذار هزاداری کنن فلان فلان شده‌ها، برای یک میلیون آدم که توی جنگ دود شدن، حزب الهی‌ها اینطوری توشرون زدن، نگاه کن، نگاه کن بت پرست هارو."

آثار ضاسگی که چون سبیل‌های آویزان زرد رنگ دارد این لقب را

بهبش داده اند گفت:

"ای بابا واسه ما که تو هفت آسمون یک ستاره هم نداریم چه هلی خواجه چه حسن کچل، هر شیخی تو این مملکت یه خری شد ما همون آقایی که بودیم هستیم." در همین موقع یک زنبور بزرگ بالای سر حسین خیکی می چرخید. حسین آقا ضمن اینکه با دستش زنبور اکیش می داد گفت:

"برو بابا توام، خدا روزیت رو جای دیگه حواله کنه، ما رو نگز ما خودمون آخوندگزیده ایم." هباس آقا تا کسی هم سرانجام لب باز کرد و گفت:

"به مولا از هیچ کس دل خوشی ندارم، همه دروغ میگن، هرکسی به فکر خودش، فایده ای نداره، بوق بز تا چرخت بچرخه داداش. باقیش حرفه، بذار اینها تو سرو کله هم بزین مارو ستنه." یکی از بچه ها می گفت این روزها میوه فروش های خیابان شهرستانی در میدان فوزیه قیمت ها را بخاطر برگ خمینی بالا کشیده اند. آنها فقط میوه نمی فروشد شیر مرغ و جون آدمیزاد را هم بطور آزاد می فروشد. مرغ کیلویی ۲۲۰ تومان، تخم مرغ شانهای ۱۲۵ تومان و... بعضی ها اسم "مینی میلیونر" روی آنها گذاشته اند. اینها بخاطر فوت امام پرچم سیاه زدند. مقارنه های بزرگ تر و گردن کلفت ترها هم پارچه سیاه زده و شعار نوشته اند و از خمینی تعریف و تجید کرده اند، رهبر مستضعفان، حامی بازاریان و... یکی از خریدارها اعتراض می کند که بی انصاف ها چرا پنج دقیقه پنج دقیقه قیمت ها را بالا می برید. یک نفر دیگر می گوید این بخاطر فوت رهبر مستضعفان، زنده بود راحتی نداشتیم، مرد هم راحتی نداریم. دیگری می گوید: "داداش بیا بریم این میوه ها هنوز آدم خور نشده نه لاملاخوره."

یکی از دوستان می گفت:

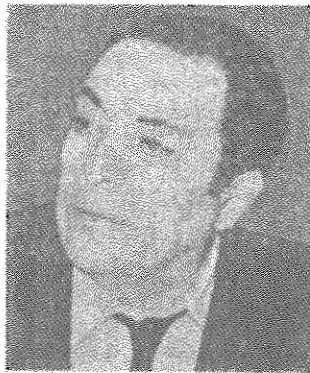
"این روزها تو خیابان فردوسی هوفاست. دلال های ارز بره کشون دارند، خمینی مرد، دلار ۱۰ تومان گران شد. دلال های ارز از اون تماش کسبه هستند که هر اتفاقی چه خیر و چه شر بیافتد آنها نفع می برند. آنها همیشه منتظر حادثه اند و تو گویی توی کله هرکدامشان یه آمپر سنج تری و تنزل ارز کار گذاشتند. تو این سال ها خیلی سود بردند و مردم را چاپیدند. رقیب اصلی آنها خود حکومت بود که ارز قاچاق

می فروخت این کار هم فقط از دولت آخوندها بر می آید. دولت ها با قاچاق ارز مقابله می کنند ولی حکومت آخوندی خودش قاچاق چی ارز است."

یکی از نقال های قدیمی قهوه خانه ای در گمرک، حلال دیگر به جای نقل شاهنامه، در محافل مطمئن، از حکومت آخوندها تصویر می سازد او می گوید:

"انها تیکه تا دیروز شعار می دادند "ما اهل کوفه نیستیم امام تنها بماند" پس چرا حالا امام را تو بهشت زهرا تنها گذاشتند. اگر راست می گویند زیر خاک امام رو تنها نگذارند" او در نقل های خود درباری را مجسم می کند که در آن "اکبر شاه" بر تخت سلطنت آخوندی نشسته و خامنه ای مثل فرشتگانی که در شمایل ها تصویر شده، بالای سر او با دو بال نیمه شکسته بدون ریش و سیل و همامه در طیران است. به او وحی می شود و احکام صادر می کند و اکبر شاه هم مجری احکام خدا بر روی زمین است. این دو پدر و پسر تام الاختیار و "صاحب اختیار" حکومت اند. "نقال می گفت:

"دربار شاهان باز یک فرهنگی داشت و یک چیزهایی در آن رعایت می شد ولی دربار آخوندی تماشایی است. روزی هزار من برنج و گوسفندهای زنده، زنده را آخوندها می بلعد و هنگام ظهر هرکدامشان با یک آفتابه در حال آروغ زدن در صحن کاخ های مرمرین در حرکت اند و در مسیر، میوه و برگ درخت های تزئینی وسط کاخ رامی چینند و می خورند. در دربار شاهان تنها یک پادشاه وجود داشت. ولی در دربار آخوندی هرکسی برای خودش شاه است و چون دو آخوند در یک اتاق نگنجد، قانون و قوانین را طوری ساخته اند که هر کدامشان برای خودش پادشاهی باشد و قلمرویی داشته باشد و دارو دسته ای و حقوق و سفره های، شاهان ۷۰ درصد درآمد مملکت را می خورند و ۳۰ درصد آن را خرج مملکت می کردند، آخوندها ۱۳۰ درصد درآمد مملکت را می خورند و بقیه را از خارج قرض می گیرند. شاهان یک ولیعهد داشتند، رژیم آخوندی دهها ولیعهد و نایب مرئی و نامرئی دارد. خلاصه اینها هیچ از شاهان کم ندارند، فقط بیچاره ها تازه به دوران رسیده اند و هیچی ندیده، اشتهاشان فراوان است و سیری ناپذیر. بیچاره ملت که باید این اژدهاها را سیر کند."



رشید بهبودف درگذشت

هرجا سخنی از موسیقی آذربایجانی به میان بیاید بی گمان نامی از رشید بهبودف نیز برده می شود. در کشور ما کمتر کسی است که نام وی را نشنیده باشد. استعداد کم نظیر وی در هنر موسیقی و زحمات بی دریغش در رشد و ترقی آن بطور اهم و خلالتیت درخشان وی در اجرای ترانه های خلق آذربایجان (خالق ماهنیلاری) بطور اخص، بهبودف را از چنان شهرتی برخوردار کرده است که با مرور زمان از بین نخواهد رفت. رشید بهبودف ماه گذشته در شهر باکو چشم از جهان فرو بست.

بهبودف در سال ۱۹۱۵ در شهر تفلیس در خانواده یک خواننده ترانه های مردمی به دنیا آمد. در گرجستان بود که اولین گام ها را در هر صه موسیقی خلقی برداشت و سپس در گروه های کنسرت آذربایجانی و ارمنی، و استودیوی فیلمبرداری باکو به کار پرداخت. در طول سال های بسیاری او سولیتس تئاتر اپرا - باله آذربایجان شوروی بود. او در سال ۱۹۵۹ مرکز کنسرت آذربایجانی را ایجاد کرد که بعد به تئاتر دولتی ترانه فراروئید. بهبودف بیش از ۳۰ سال به عنوان کارگردان، رهبر هنری و سولیتس در آنجا فعالیت داشت.

فیلم هنری موزیکال "آرشین مال آلان" ساخته آهنگساز نامدار آذربایجان "شوزیر حاجی بیگف" (خالق اپرای کوراو فلو) برای رشید بهبودف شهرت جهانی به ارمغان آورد. شخصیت "لیریک هسگر" که بهبودف خلق کرده بود، همراه صدای دلنشین وی تماشاگران را نه در اتحاد شوروی بلکه در سرتاسر جهان مجذوب خود کرد. این فیلم بیش از ۴۰ سال است که در سینماهای شوروی نمایش داده می شود و هنوز نزد بینندگان همان تازگی و جذابیت خود را حفظ کرده است. این فیلم

به دهها زبان دیگر خلق های شوروی دوبله شده است. فیلم آرشین مال آلان در کشور ما نیز به نمایش درآمد. در اپرای سویل ساخته "فکرت امیرف" اجرای نقش "بالاش" توسط بهبودف در مقیاس گسترده ای به محبوبیت هنرمند منجر شد.

رشید بهبودف با نیروی خلالتیت و استعداد شگرف و همچنین فعالیت های اجتماعی ارزنده اش نقش مهمی را در تحکیم روابط فرهنگی و هنری بین خلق های اتحاد شوروی ایفا کرده است. کنسرت های او در فستیوال های بین المللی جوانان، در کنسرت های دوستی خلق ها در اکثر نقاط جهان دلیل بارزی بر صحت این ادعا است. ترانه هایی که رشید بهبودف به زبان اکثر خلق های شوروی و جهان اجرا کرده است سبب محبوبیت زیاد وی در اقصانقاط شوروی و جهان گردیده است. مردم کشور ما خاطره پرشور کنسرت های رشید بهبودف را در تهران هنوز از یاد نبرده اند. اجرای ترانه هایی به زبان فارسی در آن کنسرت ها محبوبیت هنرمند را در بین خلق های فارسی زبان کشورمان نیز چندبرابر کرد.

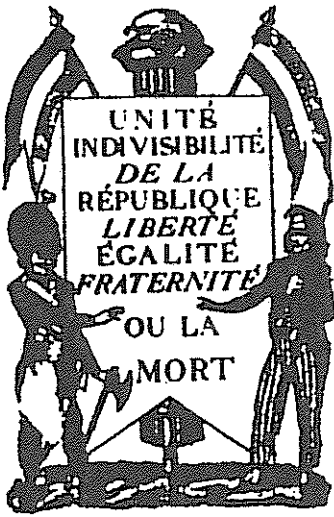
حزب کمونیست و دولت شوروی خدمات ارزشمند رشید بهبودف را ارج گذاشته و در عرصه موسیقی عنوان قهرمان کار سوسیالیستی و هنرمند خلق شوروی را به وی اعطا کرده اند. علاوه بر این او در نتیجه فعالیت های خستگی ناپذیر در عرصه هنر دوبار نشان لنین، پرچم سرخ کار و همچنین نشان های دوستی خلق ها را دریافت کرده بود. او در راه تربیت نسل جدید خوانندگان زحمات زیادی کشیده و تجربه زندگی و خلالتیت خود را همیشه در راه تربیت جوانان به کار می برد.

تمام فعالیت های خلالتانه بهبودف با ایده آل های انسان دوستانه عجین گشته بود. وی که خود انسانی صمیمی و مهربان بود تمام هستی و دانش خود را وقف هم وطنانش و تمام هنر دوستان جهان کرد. لازم به تاکید است که رشید تا آخرین روزهای زندگی اش آن طراوت و جذابیت همیشگی صدایش را داشت و با وجود پیری یا همان عشق و هلاقه همیشگی اش آواز می خواند.

رشید بهبودف در روز ۱۱ ژوئن ۱۹۸۹ چشم از جهان فرو بست. با مرگ وی خلق آذربایجان و کشور شوروی یکی از پیشکسوتان هنر موسیقی اصیل را از دست داد. با این حال خاطره رشید بهبودف به عنوان هنرمندی با سیمای مردمی، همیشه در قلب میلیون ها انسان هنر دوست خواهد ماند.

انقلاب کبیر فرانسه دو بیست ساله شد

"آزادی، برابری، برادری"



بر یک پلاکات زمان انقلاب فرانسه:
"جمهوری واحد و تجزیه ناپذیر
آزادی، برابری، برادری"
در سمت راست یک ژاکوبین با
شلوار و کلاه ژاکوبینی دیده
می شود.

باید رها از دخالت دولتی و
قیمو میت کلیسا انجام شود.

به این ترتیب در جریان قرن
مجدد هم زنجیره کاملی از تحولات،
موثرتر و قدرت مندتر شد و
سرانجام به آغاز ناگهانی
دگرگونی‌هایی بنیادی و عظیم
منجر گشت. حصار تنگ مناسبات
تولیدی و روبروی سیاسی، حقوقی
و فرهنگی به پای بند رشد نیروهای
مولده تبدیل شده بود و تاریخ در
آستانه گذار به مرحله هائی تری از
تکامل اجتماعی قرار گرفت.

شاه، تحت تاثیر اپوزیسیون
رشدیابنده و با توجه به
ورشکستگی بحرانی دولتی، در
سال ۱۷۸۹ مجمع طبقات سه گانه
را فراخواند، او با تصمیم به
فراخواندن نمایندگان طبقات،
مسئولیت سیاسی را به آنان انتقال
داد و به این ترتیب محدودیت
بیشتری برای سیادت خود ایجاد
کرد.

هنگامی که نمایندگان طبقات
سه گانه در ماه مه ۱۷۸۹ در کاخ
ورسای تجمع کردند، انتظارات
بزرگی آنها را همراهی می کرد.
پادشاه از آنها انتظار داشت که با
اصلاحات مالیاتی او برای رفع
مشکلات اقتصادی دولت موافقت
شود. اشراف و روحانیت باید
امتیازات خود را انتظار داشتند.
بورژوازی مایل بود خواست
مشارکت سیاسی خود را تحقق
بخشد. زحمتکشان طالب عدالت و
رفع نابرابری بودند. اما قبل از آنکه
مجمع سه گانه کار خود را آغاز کند،
مباحث شدیدی پیرامون نحوه
رای گیری درگرفت. اکثریت
نمایندگان طبقه اول و دوم

کرد. بر اثر رشد جمعیت و تشدید
بی سابقه ستم اجتماعی تنگنای
شدیدی در وضعیت معیشتی مردم
ایجاد شد و بیگاری ابعاد
فاجعه آمیزی به خود گرفت. در
اواخر قرن قیمت ها و به ویژه
قیمت نان که مهم ترین غذای
مردم بود، افزایش یافت، در حالی
که دستمزدها همچنان بلا تغییر
باقی ماند. بر این اوضاع بدی
محصول در سال های ۱۷۸۷ الی
۱۷۸۸ افزوده شد. دولت بخاطر
خرج های کنترل نشده و
ریخت و پاش روبه ورشکستگی
بود. دولت تلاش کرد این
ورشکستگی را با افزایش مالیات
دریافتی از هر سه طبقه مهار کند.
این امر بر اثر خرابی اکثریت
اهالی بی نوا و مقاومت طبقات
ممتاز با شکست مواجه شد.
بورژوازی صنعتی که بر اثر سیاست
اقتصادی مرکانتیلیستی در طول
نیم قرن به لحاظ اقتصادی قدرت
یافته بود اینک در مقابل سیاست
اقتصادی مرکانتیلیستی رژیم
مطلقه، آزادی بیشتری در
مشارکت اقتصادی مطالبه می کرد
و لغو مقررات صنفی، آزادی کسب
و کار و تجارت را خواستار بود.
وضعیت کشاورزی نیز بر اثر
سیستم مرکانتیلیستی بی رفق
شده بود.

به لحاظ سیاسی ریشه های
انقلاب بیش از همه در جمود سیستم
مطلقه نهفته بود که قادر به انطباق
خود بر شرایط تحول یافته نبود. به
نظام سیاسی مبتنی بر پادشاه -
بندگان هر چه بیشتر به عنوان
سیستمی نیازمند به اصلاح نگریسته
می شد. هر سه طبقه، به ویژه طبقه
سوم برای مشارکت و مسئولیت
سیاسی کوشش می کردند. لازم
به ذکر است که در رژیم مطلقه ای
که در دوران لویی ۱۴ و لویی ۱۵
مستقر گشت، حتی اشراف و
طبقات ممتاز از حقوق سیاسی
محروم بودند.

بر دلایل فوق تحولات معنوی که
از همان دوران رنسانس آغاز شدند
و به ویژه در دوران راسیونالیسم
(تفکرگرایی) و روشنگری تدوین
گشتند، افزوده می شود: انسان
موجودی است با استقلال رای و
مسئولیت فردی، شاه قدرت خود
را نه از خدا بلکه از هم نومان خود
بدست آورده، قدرت دولتی باید از
ملت سرچشمه بگیرد و بوسیله
نمایندگان منتخب اعمال شود و
باید منقسم به قوای سه گانه و قابل
کنترل باشد، بسط شخصیت انسان

انقلاب با استقرار امپراطوری خود
مشارکت سیاسی مردم را از بین
برد.

اهمیت انقلاب فرانسه بخاطر
دستاوردهای آن در حوزه های
اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و
معنوی فلسفی است.

مشخصه های جامعه فرانسه که
یک جامعه مبتنی بر طبقات
گاست مانند بود عبارت بودند از
نابرابری، بی عدالتی و جمود. اگر
نام گذاری و تقسیم بندی متداول
در همان زمان را بکار ببریم،
جامعه فرانسه به سه طبقه تقسیم
شده بود. طبقات اول و دوم یعنی
اشراف و روحانیت از حقوق و
امتیازات ویژه، معافیت از
پرداخت مالیات و دادگاه های
ویژه، برخوردار بودند. تعلق به
این طبقات را وراثت تعیین
می کرد. بخش اعظم مردم، طبقه
سوم را تشکیل می دادند. آنان از
هرگونه امتیازی محروم بودند و
بیش از هر چیز وظیفه پرداخت
مالیات را به عهده داشتند. این طبقه
بدون آنکه در سیاست مشارکت
داشته باشد کشور را بردوش خود
حمل می کرد.

نه فقط در بین طبقات بلکه در
درون طبقات نیز تفاوت های
بزرگی موجود بود. مقامات بالایی
کلیسا از نقطه نظر سطح زندگی و
موقعیت اجتماعی خود اساساً از
کشیش های دون پایه که هذاب روح
را لمس کرده و به سختی روزگار
می گذراند متمایز بودند. اشراف
نیز به خانواده های اشرافی پولدار
نزدیک به قصر پادشاهی و
خانواده های غالباً فقیر شده
روستایی منقسم می شدند.
بنابراین قشر پایینی اشراف و
روحانیت به طبقه سوم گرایش
داشت. این طبقه خود از همه
ناهمگون تر بود زیرا بقیه اهالی در
شهر و روستا
در برمی گرفت. زمینداران پولدار
و کارفرمایان، تجار و
مقارنه دارها، پیشه وران و
مستخدمین و کارگران روزمزد و
کشاورزان که مجموعاً سه چهارم
جمعیت را تشکیل می دادند. (کل
جمعیت فرانسه ۲۵ میلیون نفر بود
از این میان روحانیون ۵/۵
درصد، اشراف ۱/۳ درصد و طبقه
سوم ۹۸ درصد را شامل بودند)

بنابراین ساختار اجتماعی
رژیم مطلقه، ساختاری ناموزون
بود و می بایست تغییر می کرد.
در قرن مجددم تحولات
اقتصادی به شکلی بحران زا رشد

۱۴ ژوئیه امسال مصادف است
با دو بیستمین سالروز انقلاب کبیر
فرانسه. انقلاب فرانسه در کنار
انقلاب کبیر اکتبر بزرگ ترین
رخداد دوران چند قرن اخیر است
که بزرگ ترین تاثیرات را بر
دوران کنونی گذارده است. این
انقلاب خود، یک سلسله از
جنبش های سیاسی و اجتماعی را در
قرن نوزدهم به جریان انداخت.
درواقع مضمون سیاسی اجتماعی
قرن نوزده عبارت بود از پذیرش و
تثبیت محرک ها و نوآوری های
انقلاب فرانسه و انتقال آنها به قرن
بیستم. اندیشه ها و مفاهیم: حقوق
سیاسی ملت، دموکراسی، وحدت
ملی، آزادی فردی، برابری حقوق،
امنیت، لغو اشرافیت و امتیازات
اشراف از هنگام انقلاب فرانسه به
خواستهای پایه ای جنبش های
سیاسی تبدیل شده اند. انقلاب
فرانسه چهره فرانسه و اروپا را
تغییر داد. این انقلاب سنن انقلاب
قرن ۱۷ انگلستان و تجارب انقلاب
آمریکا را برگرفت اما خود مبداء
تاریخ نوین بشریت و حرکتی
اساساً نوین شمرده می شود.
هنگامی که لویی ۱۵ در ماه مه
۱۷۸۹ "مجمع طبقات سه گانه" را
فراخواند کسی حدس نمی زد،
می رود که روند یک انقلاب آغاز
شود. انقلابی که نظم تقسیم
کاستی جامعه را ملغی و نظم
سیاسی نوینی را ایجاد خواهد کرد.
دوران انقلاب فرانسه را
می توان به دو مرحله تقسیم کرد.
مرحله اول سال های ۱۷۸۹ تا
۱۷۹۲ را در برمی گیرد که القای
امتیازات و طبقات کاست مانند را
به همراه داشت. این فاز یک نظام
اجتماعی مبتنی بر برابری حقوق
قضایی و سلطنت مشروطه و قانون
اساسی را به ارمغان آورد. این
نظام اجتماعی با وجود آنکه در
فرانسه آن دوران دوام نیآورد اما
به الگوی بسیاری از قوانین اساسی
کشورهای اروپایی در قرن
نوزدهم تبدیل شد. دومین مرحله
با رادیکالیزه شدن دم افزون
زیرسلطه ژاکوبون ها و یک
دیکتاتوری که آزادی های فردی را
تابع برابری ساخت مشخص
می شود. بالاخره با سقوط
ژاکوبون ها دوران افول انقلاب
آغاز شد که بورژوازی بزرگ را
دوباره به قدرت رساند. انقلاب
"ایمان بخش" خود را در ناپلئون
یافت. او هلیرقم حفظ آزادی
فردی، برابری حقوق قضایی و
امنیت تملک به مثابه دستاوردهای

خواستار آن بود که بطور جداگانه بر مبنای تعلق به هر یک از طبقات رای گیری شود. نمایندگان طبقه سوم و برخی از نمایندگان طبقه اول و دوم خواستار رای گیری بر مبنای تعداد و صرف نظر از تعلق به طبقات بودند. هنگامی که در مساله رای گیری توافق صورت نگرفت، شاه تمهید کرد نمایندگان طبقه سوم را از مشورت بیرون براند. آنگاه این نمایندگان، مجلس ملی را فراخواندند و تصمیم گرفتند قانون اساسی جدیدی برای فرانسه تدوین کنند. آنها به برابری حقوق سیاسی ملت استناد کردند. پادشاه جرات نکرد علیه امتناع آشکار نمایندگان ملت از پذیرش اراده او، به قهر توسل جوید. او مجبور به تحمل این وضع شد و از نمایندگان طبقات اول و دوم دعوت کرد با نمایندگان طبقه سوم بر سر یک مجلس واحد توافق کنند. برخی از نمایندگان طبقات فوق از این دعوت منابت کردند. به این ترتیب طبقه سوم موفقیت قاطعی بدست آورد.

مواملی نظیر انتقال گاردشاهی به پاریس، خشم ناشی از برکناری آنکر، وزیر مالی که نزد مردم محبوب بود و یاس در برابر شیوه کار آرام مجلس ملی، خرده بورژوازی و بی نواپان پاریس را به حمل واداشت. آنها مسلح شدند و در ۱۴ ژوئیه ۱۷۸۹ به باستیل که سابقاً زندان دولتی، قلعه پادشاهی و سمبل حاکمیت مطلق بود هجوم بردند. مردم اداره شهر پاریس را در دست گرفتند و برای تضمین قدرت خود از میلیشای مسلح گارد ملی را پدید آوردند. تغییر قهری سیستم موجود آغاز شد. مردم فرانسه به یاد این روز، ۱۴ ژوئیه را به عنوان جشن ملی پاس می دارند. قیام به سرعت از پاریس به ایالات انتقال یافت. دهقانان مسلح شدند و کاخها و کلیساها را به آتش کشیدند، اسناد قروض دهقانی را از بین بردند و اشراف و روحانیت را به فرار واداشتند. بسیاری از اشراف از ترس جان خود، کشور را ترک کردند.

در اکتبر ۱۷۸۹ مردم انقلابی پاریس پادشاه و مجلس ملی را وادار به مهاجرت از ورسای به پاریس کردند. آنها به این ترتیب تحت نظارت مستقیم توده های انقلابی قرار گرفتند. مجلس ملی تحت فشار گسترش قیام در بخش های اعظم کشور در روزهای ۴ و ۵ اوت ۱۷۸۹ نوسازی بنیادینی را تصویب کرد: لغو سرواژ، از بین بردن صوف، القا امتیازات، برابری همه مردم در برابر قانون. در ۲۶ اوت اعلامیه حقوق بشر صادر شد. مجلس ملی در سال ۱۷۹۰ اموال کلیسا را مصادره کرد و به دهقانان فروخت، دستورات کلیسا

راملفی کرد و مدارس را ملی نمود. در سال ۱۷۹۱ قانون اساسی جدید به اجرا درآمد. این قانون تاحدود زیادی با تصورات مونتسکیو منطبق بود. بنابه قانون تقسیم قوا، پادشاه مسئول قوه اجرائیه بود. قوه مقننه در دست مجلس منتخب مردم و قوه قضائیه در اختیار یک قاضی که او نیز مستقیماً توسط مردم انتخاب می شد قرار داشت. همه افراد ذکوری که بیش از ۲۵ سال داشتند و مالیات می پرداختند دارای حق رای بودند. اقتدار متوسط و کم درآمد مردم که قادر به پرداخت مالیات نبودند در قدرت سیاسی سهمی نداشتند. زنان نیز از حق رای محروم بودند. مقررات جدید بیش از همه به سود بورژوازی بود.

در تابستان سال ۱۷۹۱ پادشاه سعی کرده همراه خانواده خود به خارج فرار کند. این تلاش ناکام ماند. او به عنوان زندانی به پاریس بازگردانده و وادار شد قانون اساسی سلطنت مشروطه را تأیید کند. بی اطمینانی به پادشاه و طرفداران سلطنت بخاطر خیانت به انقلاب رشد کرد. این به هنگام انتخابات مجلس ملی جدید در اکتبر ۱۷۹۱ آشکار شد. طرفداران سلطنت مشروطه ۳۵ درصد آرا را بدست آوردند، طرفداران جمهوری حدود ۱۸ درصد آرا را به خود اختصاص دادند. بخش اعظم نمایندگان بی طرف بودند. از آنجایی که مدافعین سلطنت مشروطه قادر به تثبیت وضعیت اقتصادی نشدند و رزنه سیاسی به سود جمهوری خواهان تغییر کرد. رهبران جمهوری خواهان، مردم فرانسه را به جنگ فراخواندند. این جنگ میبایست نظام های سلطنتی اروپا را سرنگون کند، خلق ها را آزاد سازد و بطور همزمان انسجام درونی فرانسه را باعث شود. در خارج نیز آمادگی جنگی رشد کرد. اشرافی که از کشور گریخته بودند خود را متشکل کردند. اتریش و پروس که در انقلاب فرانسه خطری جدی برای نظام سیاسی و اجتماعی خود می دیدند، خود را برای جنگ آماده کردند. فرانسه در ماه مه ۱۷۹۲ علیه اتریش اعلام جنگ داد. هر دو طرف به خود اطمینان کامل داشتند. اتریش به ارتش های قدرتمند و نفوذ نظامی خود و فرانسه به شور انقلابی، فدائاری و آگاهی مردم بدرسالت خویش.

اما برخلاف انتظار وضعیت فرانسه بر اثر جنگ وخیم تر شد. ارتش انقلابی شکست های چندی را متحمل شد. تورم، افزایش قیمت ها و مشکلات تأمین معاش، نارضایتی مردم را افزایش داد. اکنون جمهوری خواهان، به ویژه

ژاکوبین های رادیکال که نماینده منافع خرده بورژوازی شهری بودند فرصت را برای گسترش تحولات انقلابی آماده می دیدند. آنها مردم را به سرنگونی سلطنت فراخواندند. در اوت ۱۷۹۲ خشم توده های به هیجان آمده لبریز شد. آنها به قصر پادشاهی توپباری هجوم بردند، پادشاه را برکنار و به همراه خانواده اش زندانی کردند. پارلمان منحل شد و شاه پرستان، تعقیب، دستگیر و اعدام شدند. سلطنت به پایان عمر خود رسیده بود.

تحول انقلابی ادامه یافت. در سپتامبر ۱۷۹۲ مجلس مقننه نوین، مجلس انقلابی فرانسه (کنوانسیون) تشکیل شد. این مجلس به جای مجلس ملی نشست. برای اولین بار همه مردم ذکور قادر به شرکت در انتخابات شدند و برای مردان حق رای عمومی تأمین شد. واحدهای انقلابی رادیکال فعال، به ویژه ژاکوبین ها بیشترین سود را از انتخابات بردند. آنها قادر شدند تعداد نمایندگان خود را نسبت به مجلس ملی به دو برابر برسانند. جمعا ۱۴۰ نماینده از ژاکوبین ها، ۱۶۰ نفر از ژیروندیست ها بوده و بقیه ۴۳۰ نماینده در وسط قرار داشتند.

فقط در جلسه اول کنوانسیون که سلطنت ملفی و جمهوری اعلام شد، وحدت وجود داشت. سپس نبرد شدیدی مابین ژاکوبین ها و ژیروندیست ها در گرفت. هر دو گروه تلاش می کردند نمایندگان وسط را به سوی خود جلب کنند. ابتدا ژیروندیست ها در این منازعه موفق بودند.

در پاییز و زمستان ۱۷۹۲ سپاهیان انقلاب موفق شدند پیشروی واحدهای دشمن را جلوگیری و از دفاع به هجوم گذار کنند. آنها بخش هایی از خاک اتریش و پروس را اشغال کردند. اما این موفقیت ها دوام زیادی نداشت. کنوانسیون ملی در ماه دسامبر پادشاه را خائن به کشور خواند. روسپی، رهبر ژاکوبین ها، مرگ پادشاه را یک "الزام کشوری" دانست. کنوانسیون در مقابل مقاومت شدید ژیروندیست ها با اقلیت ناچیزی لویی را محکوم کرد. او در ژانویه ۱۷۹۳ در ملاعام اعدام شد. وضعیت فرانسه در بهار و تابستان ۱۷۹۳ دم به دم وخیم تر می شد. دولت فرانسه به انگلستان، هلند و اسپانیا اعلام جنگ داد. انقلابیون در همه جبهه ها در حالت تدافعی بودند. ژاکوبین ها در کنوانسیون وضعیت خود را مستحکم کردند. آنها رهبران ژیروندیست ها را دستگیر و اعدام کردند. در بخش های وسیعی از کشور شورش در گرفت. شاه پرستان و ژیروندیست ها با استفاده از اوضاع نابسامان

اقتصادی بر ضد حکومت رادیکال پاریس به پا خاستند. کارگران شهرهای بزرگ طالب افزایش حقوق و تثبیت قیمت ها بودند. ژاکوبین ها در برابر اوضاع حادی که ایجاد شده بود با حد اهلی سرسختی عکس العمل نشان دادند. آنها فکر می کردند که قادرند اهداف انقلابی آزادی، برابری، برادری را با قهر و رعب و هراس برادری سازند. در زیر رهبری ژاکوبین ها از میان کنوانسیون ملی، جمعی که هیات رفاه نام گرفت به مثابه ارگان حکومتی شکل گرفت. به نام آزادی ترور حکومت می کرد. ژاکوبین ها با قاطعیت همه نیروهای مقاومت را بسیج کردند. در ماه آگوست قانون خدمت همومی به اجرا درآمد. همه افراد ذکور بالای ۱۸ سال مجبور به خدمت نظام بودند. زنان و سالخوردهگان میبایست جریان تولید ادوات جنگی را تداوم دهند. دستمزدها و قیمت ها معین شدند. هرکس علیه این قوانین اقدام می کرد با مرگ مجازات می شد. همه دشمنان واقعی و احتمالی انقلاب تحت تعقیب قرار گرفتند، بسیاری زندانی و اعدام شدند. ژاکوبین ها در کاربرد بی پروای قهر توسط پابرهنگان شهری پشتیبانی می شدند. اینان مدافعین رادیکال برابری از میان مردم ساده بودند. آنها در دوران ترور، شهرداری پاریس و بخشداری ها را در کنترل داشتند.

ژاکوبین ها، شلووار ساده بلند و کلاه ژاکوبینی که در دوران باستان نشانه برده آزاد شده بود را به عنوان خواست دگرگونی روابطه علامت مشخصه خود قرار دادند. ژاکوبین ها با سرسختی و خشونت موفق شدند قیام های ژیروندیست ها و شاه پرستان در داخل را مهار کنند و جبهه را علیه دشمنان خارجی تقویت نمایند. انگلیسی ها، اسپانیایی ها، پروسی ها و اتریشی ها در برابر فشار سپاهیان فرانسوی به عقب نشستند.

تعیین قیمت ها توسط دولت در زمستان سال ۱۷۹۳ به کاهش سریع مواد معیشتی منجر شد. هلیرقم شدیدترین کنترل ها و مجازات ها بازار سیاه رونق گرفت. بسیاری از کارگران، کاسب کاران خرد و پیشه وران کوچک در شهرها در آستانه نابودی قرار گرفتند. این اوضاع باعث آن شد که پابرهنگان نیز علیه حکومت ژاکوبین ها بپاخیزند. حکومت شورشیان را سرکوب کرد. هیات رفاه به ارگان قدرت نامحدود دیکتاتوری ژاکوبین ها بدل شد. روسپی در راس آن قرار داشت. هرکس که علیه او بود دشمن خلق به حساب می آمد و باید نابود می شد. ترور همه اقشار را

درباره اوضاع لهستان

بقیه از صفحه آخر

لهستان در دسامبر سال ۱۹۸۱ را به یاد دارید. این تصمیم گیری برای من بسیار دردناک بود. این امر تنها در صورتی موجه است که ارکان کشور به خطر بیفتند. ما موظفیم هر چه از دستمان برمی آید انجام دهیم تا مانع بازگشت به چنین وضعیتی بشویم. نباید اجازه دهیم که وضعیت فوق العاده به وجود آید. ما باید به اتفاق اپوزیسیون هر چه از دستمان برمی آید انجام دهیم تا از سیر قهقراپی روندی که هر لحظه ممکن است از کنترل خارج شود جلوگیری کنیم. درست در چنین لحظاتی هم هست که ممکن است وضعیتی شکل بگیرد که در آن هر چیزی پیش بیاید.

- در یکن کدام یک افراطی بودند؟ دانشجویان، یا دولت؟

- این، اوضاع بود که افراطی بود. من اطلاعاتم کمتر از آن است که مساله را به دقت ارزیابی کنم: چین کشوری عظیم و اسرارآمیز است. تنهایی توانم بابت آن چه که روی داده است، متأسف باشم. به علاوه، من با دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر مخالف هستم. من نمی خواهم به این موضوع کشیده شوم.

"همبستگی" در هر حوزه انتخاباتی تنها یک نامزد معرفی کرد. اما ما در مقابل آنها، ده نامزد پیشنهاد کردیم. و کاملاً روشن است که کاندیداهای ما بین خودشان کشمکش راه انداختند. در گذشته، "همبستگی" از پلورالیسم دفاع می کرد، در حالی که دولت بر علیه "همبستگی" دلایل شرم آوری ارائه می کرد. اما حالا جاها عوض شده است. اپوزیسیون در انتخابات یکپارچه برخورد کرد، اما ما تکیه را بر پلورالیسم گذاشتیم. به مثابه یک ژنرال، من به انضباط کادرهای "همبستگی" حسادت می کنم.

- در میان صفوف خود "همبستگی" بودند کسانی که پس از اطلاع از نتایج آرا گفتند که ۱۰٪ آرا برای حزب نه یک مرحله گذار، بلکه فراخوانی است برای برقراری حکومت نظامی. آیا ممکن نیست که در لهستان بازگشتی به سوی چمات صورت گیرد، چیزی که اخیراً به دستور دولت کمونیستی در چین روی داد؟

- برقراری حکومت نظامی در

آیا این بیم رانداریکه شکست حزب شما در انتخابات باعث تزلزل در اتحاد شوروی شود؟ مخالفان رئیس جمهور شوروی خیلی راحت خواهند گفت که حاصل فرم در یکن افتشاشات دانشجویی و در لهستان، پیروزی "همبستگی" بوده است.

- لهستان اولین کشوری بوده است که به راه اصلاحات گام گذارده است و از همه پیشی گرفته است. لهستان میدان آزمایش دیگر کشورهای سوسیالیستی بوده است. این تجربه که در لهستان همه ثمرات خود را به بار آورده است برای اتحاد شوروی مفید و قابل اتکا است. البته شکست های ما نتایج بلاواسطه متضادی نیز در بردارند...

گارباچف انسانی شجاع، بسیار نیرومند و بسیار پرتوان است. لیکن، تلفیق خصوصیات فردی گارباچف با این فاکت که نوسازی متناسب با نیازهای واقعی است و او از پشتیبانی اکثریت اهالی اتحاد شوروی برخوردار است، خوشبینی کافی در من ایجاد می کند. من بسیار امیدوارم که این همه به گارباچف امکان خواهد داد بر دشوارترین لحظات فائق آید. روند اصلاحات در بلوک سوسیالیستی نه یک مد و نه یک هوس زودگذر است. تنها افسوس می خورم که چرا این روند این قدر

دیر شروع شد. من شخصاً به پیروزی گارباچف ایمان دارم. آیا اصلاحات کنونی در بلوک سوسیالیستی موید آن نیست که قرب در مبارزه ایدئولوژیک پیروز شده است، چراکه نظریه خود در مورد آزادی را به کرسی نشاند است؟

- من معتقدم که هرگونه تعدی به آزادی انسان با ایدئولوژی کمونیستی متضاد است. "مانیفست کمونیست" بیان گر فلسفه بشردوستی است. فرانسوی ها که روبسپیر را در تاریخ خود دارند، باید همچنین به یاد داشته باشند که جهان نوینی که به برکت انقلاب فرانسه زاده شد، تنها و جوه مثبت نداشته است. ۴۰۰ سال طول کشید تا شما نتایج انقلابتان را تا به آخر متحقق کنید. و تازه همیشه هم این کار چندان آسان و سرراست نبوده است. در کشور شما پیروزی بلادرنگ آزادی، برابری و برادری روی نداد. بی جا نیست که این همه را به مناسبت ۲۰۰مین سال انقلاب فرانسه یادآوری کنیم. استالیانیسم انحطاط صبیح جنبش کمونیستی بود. و ما در حال حاضر به سرچشمه های این جنبش بازمی گردیم. آنچه که امروز جریان دارد نه فروپاشی، که احیای ایدئولوژی کمونیستی است.

انقلاب کبیر فرانسه

بقیه از صفحه ۹

در بر گرفت. حتی انقلابیون سرشناسی نظیر دانتون که از رهبران انقلاب و از نزدیک ترین یاران روبسپیر بودند قربانی ترور شدند. روبسپیر به هلت کاربرد بدون ملاحظه قهر بر ضد همه، هر چه بیشتر از پایگاه اجتماعی خود فاصله گرفت. اپوزیسیون علیه او بسط می یافت. گیوتین، وسیله اهدام محکومین هر روز بیشتر از پیش به عنوان سمبل انقلاب معرفی شد. در ۲۷ ژوئیه ۱۷۹۴ کنوانسیون روبسپیر را سرنگون کرد. او یک روز بعد به همراه عده ای از هواداران خود اهدام شد. به این ترتیب رادیکال ترین فاز انقلاب به پایان رسید.

پس از سرنگونی حکومت ژاکوبین ها سیر نزولی انقلاب آغاز شد. خرده بورژوازی و توده های خلق تاثیر سیاسی خود را از دست دادند. بورژوازی بزرگ دوباره در راس دولت و جامعه قرار گرفت. قدرت دولتی از ترس تجدید یک دیکتاتوری جدید به یک هیات پنج نفره (دیرکتوریوم) منتقل شد.

حق رای به ثروتمندان محدود گردید. موفقیت فرانسه در جنگ با اروپا به سود قدرتمندان جدید تمام شد. پروس و اسپانیا در سال ۱۷۹۵ و اتریش در سال ۱۷۹۷ قرارداد صلح را با فرانسه امضا کردند. فقط جنگ با انگلستان تداوم یافت. وضعیت در داخل فرانسه همچنان رو به وخامت بود. دستمزدها از افزایش قیمت ها عقب ماندند. توده های مردم ناآرام شدند. علاوه بر سلطنت طلبان بطور مکرر تلاش کردند حکومت را سرنگون کنند و روابط کهنه را برقرار نمایند. دیرکتوریوم هر چه بیشتر به کمک ارتش محتاج شد. نظامیان نگیان حکومت بودند.

هنگامی که در سال ۱۷۹۹ تقریباً همه دولت های اروپایی دومین جنگ مشترک را علیه فرانسه آغاز کردند، ناپلئون بناپارت، یک ژنرال موفق جوان ارتش انقلابی، قدرت را قبضه کرد. او دیرکتوریوم را با تکیه بر کودتایی که به ادهای او به وسیله

نیروهای چپ رادیکال سازماندهی شده بود، از قدرت حذف کرد. ناپلئون به مردم وعده نظم و امنیت داد. در کتاب قانونی که به نام او انتشار یافت، برابری همه مردم در برابر قانون تضمین شده بود. او آزادی های فردی را محدود کرد. مجلسی که به وسیله او ایجاد شد فقط ظاهراً دمکراتیک بود. در واقع "مرد قدرتمند" جدید فرانسه تحت عنوان کنسول اول به مثابه یک دیکتاتور نظامی تام الاختیار حکومت می کرد. ناپلئون در دوم دسامبر سال ۱۷۹۹ انقلاب را پایان یافته اعلام نمود. او در سال ۱۸۰۴ خود را به عنوان امپراتور معرفی و تاجگذاری کرد.

سال های ۱۷۸۹ الی ۱۷۹۲ با صعود بورژوازی بزرگ و متوسط به قدرت سیاسی مشخص می شود. اینان ابتدا به وسیله قیام علیه سلطنت در سال ۱۷۸۹ و سپس به همراه پادشاه در سال ۱۷۹۱ و بالاخره بدون پادشاه در ۱۷۹۲ به این امر توفیق یافتند. رهبری انقلاب قبل از هر چیز در تلاش بود منافع اقتصادی و سیاسی خود را تضمین کند و به همین منظور اقتدار

پایینی ملت را از حق رای و مشارکت در قدرت سیاسی محروم کرد. خرده بورژوازی و زحمتکشان شهری که نمی خواستند به این امر تن دهند، برای تحقق حقوق برای همه مردم پای می فشردند. آنها تأکید می کردند که در جریان انقلاب نقش تعیین کننده را ایفا کرده اند و نمونه های هروا به باستیل، قیام های ایالات، شرکت در جنگ انقلابی و هجوم به توپخانه را مثال می زدند.

اهمیت انقلاب در تاثیر درازمدت آن نهفته است. قانون اساسی که توسط مجلس تصویب شد بنیان همه قوانین قرن ۱۹ را تشکیل داد. از هنگام انقلاب فرانسه قدرت دیگر نه از خدا بلکه از ملت فرض می شود. انقلاب نظم طبقات سه گانه را برهم زد و از این نقطه نظر الگوی اروپا قرار گرفت. ایده های این انقلاب و تکامل آن بر بنیاد جنبش های انقلابی در دو قرن بعد در اروپا شاخص روندی است که به تثبیت بسیاری از ارزش ها و حقوق اساسی بشر در هر ضه های مختلف، در طول این مدت و هم اکنون انجامیده است.

دیدار میخائیل گارباچف از فرانسه

فرانسوا میتران رئیس‌جمهور فرانسه و میخائیل گارباچف دبیر کل حزب کمونیست شوروی و رئیس شورای عالی خلق در سه‌شنبه هفته گذشته با یکدیگر دیدار کردند. محور گفتگوهای دوطرف مساله خلع سلاح، امنیت اروپا و همکاری دو جانبه شوروی و فرانسه بود. میتران و گارباچف بر افزایش تماس‌های دو جانبه برای تسریع روند خلع سلاح تاکید کردند. هر دو کشور همیقا برای انجام فوری کنفرانس صلح خاور نزدیک ابراز هلاقه کردند. گارباچف در پایان سفر خود در پارلمان اروپا طی یک سخنرانی اعلام کرد: اتحاد شوروی آماده است سلاح‌های اتمی با برد کوتاه را به‌طور یک‌جانبه کاهش دهد به شرط آنکه اعضاء ناتو مذاکره پیرامون برچیدن این سلاح‌ها را آغاز کنند.

تشکیل دولت موقت در یونان

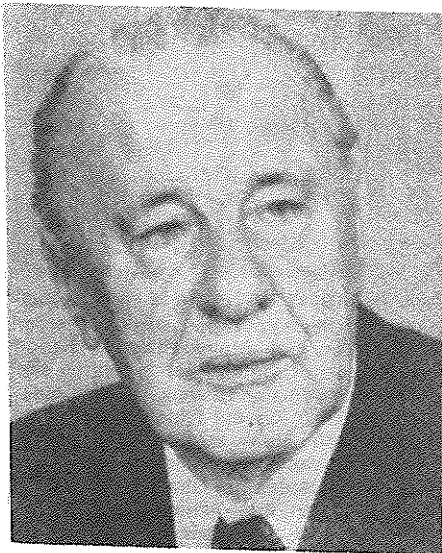
دو هفته پس از انتخابات پارلمان یونان به دنبال مذاکرات متعدد، یک دولت موقت از اتحاد حزب محافظه‌کار دموکراسی نو و جبهه موثله چپ تشکیل شد. تسانیز تسانتاکیس که انسر نیروی دریایی است و از ۱۹۷۷ نماینده پارلمان بود به‌عنوان نخست‌وزیر معرفی شد. تسانتاکیس بعد از کودتای نظامی ۱۹۶۷ به هلت شرکت در جنبش مقاومت تحت تعقیب قرار گرفته بود. کابینه موجود که به مدت سه ماه تا برگزاری انتخابات مجدد به کار خود ادامه خواهد داد براساس توافق میان کنستانتینوس میتسو تاکیس رهبر حزب دموکراسی نو و هاریلائوس فلوراکیس رهبر جبهه موثله چپ و دبیر کل حزب کمونیست یونان تشکیل شده است. این دولت هدف خود را رسیدگی به پرونده فساد و رشوه‌خواری مقامات دولت پاپاندرو قرار داده است. فلوراکیس گفت برخلاف ادعای پاپاندرو و رهبری حزب یازوک در اینجا مساله بر سر یک سازش تاریخی میان دو حزب نیست بلکه موضوع بر سر تشکیل دولتی با اهداف محدود است.

سرکوب تظاهرات زنان شیلی

توسط پلیس

پلیس خونتای نظامی شیلی در روز جمعه علیه زنانی که در اعتراض به پایمال کردن حقوق بشر در مقابل کاخ ریاست جمهوری اجتماع کرده بودند، گاز اشک‌آور بکار برد و آنها را مورد ضرب و شتم قرار داد. جمع کثیری به شدت زخمی شدند. ۴۵ نفر از تظاهرکنندگان دستگیر شدند. این زنان از روز دوشنبه از شهر بندری واپارازوی راه پیمایی خود را برای حقوق بشر، آزادی و مجازات عاملین اقدامات تروریستی نظامیان آغاز کرده بودند.

یانوش کادار در گذشت



دبیر کل سابق حزب کمونیست مجارستان یانوش کادار پس از یک بیماری طولانی در چهارشنبه هفته گذشته در سن ۷۷ سالگی درگذشت.

کادار از ماه مه ۱۹۴۲ عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست مجارستان بود و پس از پیروزی جنبش‌رهایی بخش از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۵ وزیر کشور بود. وی در سال ۱۹۵۱ تحت تضيیقات دوران استالینی دستگیر و به مدت سه سال زندانی بود. در سال ۱۹۵۴ از او اعاده حیثیت به‌همل آمد. کادار از ماه ژوئن ۱۹۵۷ دبیر اول و از سال ۱۹۸۵ دبیر کل کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان بود. او در ماه مه سال قبل از این مقام برکنار و به ریاست افتخاری حزب برگزیده شد. او در ماه مه امسال به‌هنگامی که به‌سختی مریض بود آخرین مسئولیت‌های حزبی خود را واگذار کرد و از کمیته مرکزی بیرون آمد.

نبردهای شدید در افغانستان

در افغانستان دوباره نبردهای سنگینی رخ دادند. نیروهای دولتی افغانستان پس از آنکه در هفته‌های گذشته موفق به در هم شکستن محاصره شهر جلال‌آباد شدند اینک مواضع جدیدی را فتح کرده‌اند. واحدهای ارتشی، شهر مهم ترخام را بازپس گرفتند و به این ترتیب یک نقطه مهم استراتژیک را که مهمات ضدانقلاب از طریق آن حمل می‌شد مسدود کردند. بنا به گفته ناظرین پس از فتح ترخام به وسیله قوای دولتی راه تا همین آذوقه نیز برای مجاهدین سد شده است. از ماه اکتبر تا بحال نیروهای دولتی دویار تلاش کرده بودند این شهر را که در ۶۰ کیلومتری جلال‌آباد واقع است بازپس گیرند اما موفق نشده بودند.

شورشیان به تلاشی شکست‌های پیاپی در جبهه‌های جنگ تعداد حداقل ۷ موشک به سوی کابل پرتاب کردند که در این میان ۹ نفر غیرنظامی کشته شده‌اند. این جنایات شورشیان، انزجار و خشم بخش‌های زیادی از مردم کابل را برانگیخته است.

کودتادر سودان

شب جمعه ۳۰ ژوئن ارتش سودان به رهبری ژنرال البشیر قدرت را بدست گرفت و دولت نخست‌وزیر المهدی را ساقط کرد. به‌گفته البشیر حکومت قبلی، سودان را به انزوای بین‌المللی و بحران اقتصادی سوق داده است. البشیر گفت جنگ میان مسلمین در شمال و مسیحیان جنوب که دولت قادر به پایان دادن آن نشد نیز دال بر بی‌کفایتی دولت المهدی است. ارتش هم‌اکنون دانشگاه‌های ویژه‌ای را برای رسیدگی به نساد مأموران دولت سابق ترتیب داده است.

محاکمه

کمونیست‌های ترکیه

در جریان محاکمات اخیر کمونیست‌ها در آنکارا و استامبول در روز سه‌شنبه هفته گذشته ۳۶ نفر به یک تا ۹ سال زندان محکوم شدند.

از هنگام کودتای نظامی سال ۱۹۸۰ تاکنون هزاران نفر به‌هلت عضویت در حزب کمونیست ترکیه (TKP) تحت تعقیب قرار گرفته و زندانی شده‌اند. آنها از خانه‌های خود روده شده‌اند و تا ۹۰ روز بعد از بازداشت در سلول‌های انفرادی به‌سختی تحت شکنجه قرار گرفته‌اند. از متهمینی که کشور را ترک گفته‌اند سلب تابعیت شده است.

یک رهبر اسلامی خواهان کشتار

همه مبتلایان به بیماری ایدز شد

عبدالله المشاد یکی از مهم‌ترین روحانیون اسلامی مصر خواهان کشتار همه مبتلایان به بیماری ایدز شد. او در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت برای ممانعت از تعدید سلامتی اکثریت اعضا جامعه باید همه مبتلایان را نابود کرد. وی پیشنهاد کرد از دادن هرگونه مواد غذایی، آب آشامیدنی و کمک پزشکی به مبتلایان به ایدز امتناع شود.

به‌گفته وی "ما باید جامعه را از افرادی که مبتلا به ایدز هستند تصفیه کنیم زیرا آنان خطری آشکار به‌شمار می‌آیند."

درباره اوضاع لهستان

مصاحبه و ویتسخ یاروز لسانی باروز نامه فیگارو

شده است، اما ظاهراً تنها نکات مثبت نداشته است. چراکه فرانسوی‌ها این روال را دگرگون کردند. به‌رحال، ما دست خود را برای هر تصمیمی باز می‌دانیم. ما حاضریم تا با مشارکت جدی اپوزیسیون در دولت موافقت کنیم، اما من نمی‌خواهم پیشاپیش در این مورد صحبت کنم. همه این موارد باید در مذاکرات ما با اپوزیسیون در پشت درهای بسته حل و فصل شود.

- آیا احتمال می‌دهید که حزب کمونیست زمانی قدرت را از کف بدهد؟

- وقتی در بلژیک بودم، این را از من پرسیدند. وقتی به انگلستان رفتم، باز همین سؤال مطرح شد. همه روزنامه‌نگاران همین سؤال را از من می‌پرسند. و به همه من تنها همین یک جواب را می‌دهم. من که یک عضو حزب و دبیر اول آن هستم باید ماز و خیزت و یا حادثه‌جو باشم اگر فکر کنم که حزب از قدرت برکنار خواهد شد و مجبور خواهد بود از حل و فصل مقدرات کشور دست بشوید. برعکس، من هر کاری از دستم برمی‌آید خواهم کرد برای آنکه حزب در قدرت باقی بماند. اما البته در شرایط دموکراسی پارلمانی، ایقان دارم که ما راه اصلاحات شجاعانه‌ای را در پیش گرفته‌ایم که به‌مدد آن حزب ما جذابیت پیدا خواهد کرد.

- اما شکست شما در انتخابات پیش‌درآمد خوبی نیست.
- قرب همیشه ما را به‌وجود دموکراسی متجم کرده است. اما ما انتخابات را به‌این دلیل باختیم که دموکرات‌وار عمل کردیم. بقیه در صفحه ۱۰

این مصاحبه در آستانه سفر فرانسوا میتران به لهستان به‌عمل آمده است.

- شما به‌اتفاق چه کسانی دولت تشکیل خواهید داد؟ تمام شخصیت‌هایی که به‌همراه دولت در مذاکرات "میزگرد" با "همبستگی" شرکت داشتند در دور اول انتخابات شکست خورده‌اند.

- در فرانسه الزامی نیست که وزیر به‌عنوان نماینده انتخاب شده باشد. در لهستان هم همین‌طور.
- اما وزیری که در انتخابات شکست خورده، چه اتوریتته‌ای می‌تواند داشته باشد؟

- تمامی وزرای که کاندیداتوری‌شان در انتخابات مطرح شد، از جانب محافل اجتماعی با پشتیبانی چشمگیری روبرو شدند. از میان تمامی شخصیت‌های برجسته‌ای که در لیست ملی قرار گرفتند، وزرا از همه بیشتر رای آوردند. می‌دانید که این انتخابات در ماهیت امر رفتاری بود با جواب "آری" یا "نه" برای "همبستگی". اگر روی یک اسب هم اتیکت "همبستگی" می‌زدی، آن اسب هم انتخاب می‌شد. از این رو، شکستی که در چنین شرایطی وزرا متحمل شدند، برای آنها شرم‌آور نیست.

- آیا فکرش را هم می‌توانید بکنید که در دولتی با "همبستگی" همزیستی داشته باشید که در آن اردوگاه شما تنها پست‌هایی نظیر وزارت دفاع و وزارت امور خارجه را آن‌طور که امروز در فرانسه می‌گویند در "ترق" خود داشته باشد؟

- همزیستی در فرانسه تجربه

جنبش کمونیستی یکی از قدیمی‌ترین سیاستمداران خود را از دست داد



او در ملاقات‌های پراهمیت تاریخی نظیر کنفرانس‌های رهبران سه قدرت ائتلاف ضد هیتلری اتحاد شوروی و ایالات متحده و بریتانیا، در یالتا و پوتسدام شرکت داشت. گرومیکو نماینده دائمی اتحاد شوروی در شورای امنیت سازمان ملل متحد بود. وی از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۸۵ در راس دیپلوماسی اتحاد شوروی قرار داشت. او در ۱۰ مارس ۱۹۸۵ پس از مرگ چرننکو در انتخاب میخائیل گارباچف به‌عنوان دبیر کل جدید حزب کمونیست اتحاد شوروی نقشی قاطع ایفا کرد. او در برابر نطق گریگوری رومانف که ویکتور گریشین را پیشنهاد کرده بود گفت "مردی که اکنون انتخاب می‌شود باید اتحاد شوروی را بر فراز چرخش قرن رهبری کند" نطق کوتاه او نقشی کارساز ایفا کرد. پس از این نطق میخائیل گارباچف به‌اتفاق آرا انتخاب شد. آندره گرومیکو در طول بیش از سه دهه عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بود. وی به‌مدت ۱۵ سال از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۸ در هیات سیاسی کمیته مرکزی عضویت داشت.

آندره گرومیکو که در طول نزدیک به ۳۰ سال وزیر امور خارجه شوروی بود در روز یکشنبه هفته گذشته درگذشت. با مرگ گرومیکو یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های دیپلماتیک و سیاسی نسل گذشته اتحاد شوروی بدوود حیات گفت.

آندره گرومیکو در ۱۸ ژوئیه ۱۹۰۹ در یک خانواده دهقانی به دنیا آمد. پدر او که دهقان فقیری بود، داوطلبانه به کالخوز پیوست. او در آن سال‌های رنج و تحصیلی که دیگران نیز کفایت نمی‌داد، به هنگام جمع‌آوری میزیم به خاک افتاد. مادر با چهار پسر و یک دختر تنها مانده. دوتن از برادران گرومیکو در جنگ کشته شدند، سومین برادر وی با جراحات سخت از جنگ بازگشت. آندره گرومیکو از سال ۱۹۴۳ سفير شوروی در ایالات متحده آمریکا بود. او در همین مقام هیات نمایندگی شوروی را در کنفرانس سال ۱۹۴۴ دو مبارتون - اوکس که در آن تصمیم به ایجاد سازمان ملل متحد گرفته شد، هدایت کرد. گرومیکو سال‌های سال تنها فرد بازمانده از بنیانگذاران سازمان ملل متحد بوده

جارو جنجال‌های تبلیغاتی

پیرامون مناسک حج

در صفحه ۵

AKSARIYAT
NO.265

MONDAY, 10 Jul 89

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

صاحب بانکی

AUSTRIA . WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

یا جمع آوری کمک مالی

فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید